

خودای نامگ

کتاب شاهان فارسی میانه

یاکو هامین - آنتیلا
ترجمه مرتضی عربزاده سربنانی



توجه!

*تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به جناب آقای مرتضی عرب زاده سربنانی (مترجم) می باشد و هرگونه تکثیر و انتشار این اثر بدون اجازه مترجم یا استفاده از مطالب آن در سایر کتاب ها و مقالات بدون ارجاع به این کتاب، از نظر اخلاقی نادرست و از نظر حقوقی قابل پیگیری می باشد.

*جهت ارتباط مستقیم با مترجم به منظور ارائه پیشنهادات و انتقادات، خوانندگان گرامی می توانند به ایمیل زیر پیام دهند:

mortezaarabzadehsarbanani@gmail.com

*علاقه مندان جهت مشاهده شناسنامه نسخه چاپی این کتاب می توانند با جستجوی نام کتاب (خودای نامگ کتاب شاهان فارسی میانه) از طریق پیوند زیر اقدام نمایند:

<https://www.nlai.ir/>

خودای نامگ

کتاب شاهان فارسی میانه

نویسنده: یاکو هامین-آنتیلا

مترجم: مرتضی عربزاده سربنانی

چاپ اول (زمستان ۱۴۰۳)

سرشناسه: هامین-آنتیلا، یاکو / Hämeen-Anttila, Jaakko
عنوان و نام پدیدآور: خودای نامگ: کتاب شاهان فارسی میانه / نویسنده: یاکو هامین آنتیلا؛
مترجم: مرتضی عربزاده سربنانی.
مشخصات نشر: تهران: متخصصان، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۳۲۹ ص.
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی:

Khwadāynāmag : the Middle Persian Book of king, 2018.

عنوان دیگر: کتاب شاهان فارسی میانه.

موضوع: خدای نامه / Khwadāynāmag-

ادبیات پهلوی -- تاریخ و نقد / Pahlavi literature -- History and criticism

ایران -- تاریخ -- ساسانیان، ۲۲۶ - ۶۵۱ م. -- تاریخ نویسی /

Iran -- History -- Sassanids, 226 - 651 -- Historiography

ایران -- تاریخ -- ساسانیان، ۲۲۶ - ۶۵۱ م. -- اسناد و مدارک /

Iran -- History -- Sassanids, 226 - 651 -- Sources

شناسه افزوده: عربزاده سربنانی، مرتضی، ۱۳۷۵ - ، مترجم

رده بندی کنگره: PIR1۷۱۸

رده بندی دیویی: ۸ فا ۰۶۹ /

شماره کتابشناسی ملی: ۹۸۴۹۹۲۳

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

خودای نامگ کتاب شاهان فارسی میانه

نویسنده: **یاکو هامین-آنتیلا**
مترجم: **مرتضی عرب زاده سربنانی**

نوبت چاپ: اول (زمستان ۱۴۰۳)
طراح جلد: متین عرب زاده سربنانی
صفحه‌آرایی: متین عرب زاده سربنانی
چاپ و نشر: متخصصان
مدیر مسئول: علیرضا خضرائی راد



www.motekhassasan.com

قیمت: ۳۱۵/۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۹۰-۷۶۶-۱

کلیه حقوق محفوظ است

تهران: نشر متخصصان؛ ۱۴۰۳

نشانی دفتر مرکزی: تهران، خیابان دماوند، نرسیده به میدان

امام حسین(ع)، نبش کوچه طباطبایی، پلاک ۲، ساختمان

نگین، طبقه دوم، واحد ۶ تلفن: ۰۲۱-۹۱۰۹۱۱۲۸

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار مترجم
۱۰	مقدمه
۱۲	یادداشت‌های تخصصی

۱۵ فصل یکم: خودای نامگ و زمینه آن

۱۵	۱.۱ مسائل مقدماتی
۱۵	۱.۱.۱ عنوان خودای نامگ
۱۶	۱.۱.۲ خودای نامگ چه بود؟
۲۰	۱.۱.۳: خودای نامگ و تاریخ ملی ایران: شفاف‌سازی واژگان و عبارات
۲۵	۱.۲ آثار و منابع تاریخی فارسی میانه
۲۶	۱.۲.۱ یادگار زریران
۲۷	۱.۲.۲ کارنامگ اردشیر بابگان
۲۸	۱.۲.۳ سایر کتب دارای اطلاعات تاریخی
۳۰	۱.۳ منابع کهن در زبان‌های دیگر در مورد ایران باستان
۳۰	۱.۳.۱ آگاثیاس
۳۸	۱.۳.۲ منابع دیگر
۴۱	۱.۴ سنت شفاهی

۴۴ فصل دوم: انتقال اطلاعات در حوزه زبانی

۴۴	۲.۱ نهضت ترجمه و محتوای آن
۴۶	۲.۲ ترجمه متون فارسی میانه
۴۸	۲.۲.۱ آثار مرتبط با تاریخ ملی ایران
۶۲	۲.۲.۲ سایر آثار
۶۷	۲.۳ حماسه اسکندر
۷۴	۲.۴ ترجمه در هزاره نخست میلادی

فصل سوم: ترجمه‌های عربی خودای نامگ

۸۳

- ۸۳ ۳.۱ فهرست حمزه اصفهانی
- ۹۲ ۳.۲ مترجمان و ترجمه‌هایشان
- ۹۲ ۳.۲.۱ محمدابن‌الجهم برمکی
- ۹۳ ۳.۲.۲ تاریخ ملوک‌الفرس خزانه‌ء مأمون
- ۹۳ ۳.۲.۳ زادویه‌ابن‌شاهویه اصفهانی
- ۹۵ ۳.۲.۴ بهرام‌ابن‌مهران‌ابن‌مطیاری اصفهانی؛ محمدابن‌بهرام‌ابن‌مطیاری اصفهانی؛ محمدابن‌مطیاری
- ۹۶ ۳.۲.۵ هشام‌ابن‌قاسم اصفهانی
- ۹۶ ۳.۲.۶ بهرام‌ابن‌مردانشاه
- ۹۷ ۳.۲.۷ اسحاق‌ابن‌یزید
- ۹۹ ۳.۲.۸ فرخان و عمرابن فرخان
- ۹۹ ۳.۲.۹ بهرام‌هروری مجوسی
- ۱۰۰ ۳.۲.۱۰ رامین
- ۱۰۰ ۳.۲.۱۱ عمر کسری و موبد متوکل
- ۱۰۲ ۳.۳ موسی‌ابن‌عیسی کسروی
- ۱۲۹ ۳.۵ منابع و ماهیت این ترجمه‌ها
- ۱۳۱ ۳.۶ ایران باستان در متون تاریخی فارسی و عربی آغازین
- ۱۳۴ هشام‌ابن‌محمدالکلبی (وفات: ۸۲۱/۲۰۶)
- ۱۳۵ ابوعبیده معمرابن‌المثنی (وفات: ۲۰۹/۸۲۴)
- ۱۳۷ محمدابن‌موسی‌الخوارزمی (وفات: ۲۳۲/۸۴۷)
- ۱۳۷ ابو‌مشعر‌المنجم (وفات: ۲۷۲/۸۸۶ یا بعدتر)
- ۱۳۷ ابن‌قتیبه (وفات: ۸۸۹/۲۷۶)
- ۱۴۱ یعقوبی (وفات: ۲۸۴/۸۹۷)
- ۱۴۳ دینوری (وفات: قبل از ۲۹۰/۳-۹۰۲)
- ۱۴۳ ابن‌فقیه (نوشته در ۲۹۰/۹۰۳ یا کمی بعدتر)
- ۱۴۴ ابو‌محمدداودابن‌الجراح (وفات: ۲۹۱/۹۰۳)
- ۱۴۴ ائوتوخیوس (سعیدابن‌بطریق) (وفات: ۳۰۴/۹۱۶)

۱۴۷	ابن خردادزبه (وفات ۳۰۰/۹۱۲)
۱۴۸	طبری (وفات: ۳۱۰/۹۲۳)
۱۴۹	مسعودی (وفات: ۳۴۵/۹۵۶)
۱۵۱	حمزه اصفهانی (وفات: ۹۶۱/۳۵۰ یا ۹۷۱/۳۶۰)
۱۵۶	المقدسی (وفات: بعد از ۹۶۶/۳۵۵)
۱۵۸	مسکویه (وفات: ۴۲۱/۱۰۳۰)
۱۵۸	بیرونی (وفات: ۴۴۲/۱۰۵۰)
۱۵۸	گردیزی (نویسنده اوایل ۴۴۰/۱۰۵۰)
۱۵۹	تاریخ سیستان (قسمت اصلی آن بلافاصله پس از ۴۴۸/۱۰۶۲ نوشته شده است)
۱۶۰	ابن بلخی (نویسنده پیش از ۵۱۰/۱۱۱۶)
۱۶۰	مجمعل التواریخ (نوشته شده در ۵۲۰/۱۱۲۶)
۱۶۴	محمد طوسی (نویسنده بعد از ۷-۵۶۲/۱۱۶۶)
۱۶۴	۳.۷ محتویات ترجمه ابن مقفع

۱۶۸

فصل چهارم: شاهنامه‌های فارسی

۱۶۹	۴.۱ دیگر شاهنامه‌ها
۱۷۰	۴.۱.۱ مسعودی مروزی
۱۷۲	۴.۱.۲ ابوعلی محمد بلخی
۱۷۵	۴.۱.۳ ابوالمؤید بلخی
۱۷۸	۴.۱.۴ دقیقی
۱۸۰	۴.۲ شاهنامه منثور
۱۸۶	۴.۳ بلعمی
۱۸۸	۴.۴ ثعالبی
۱۹۲	۴.۵ فردوسی
۲۰۰	۴.۶ فردوسی، ثعالبی و متون پهلوی
۲۱۰	۴.۷ ادبیات نامه

۲۱۷

فصل پنجم: دو مورد برای پژوهش

- ۲۱۷ دو مورد برای پژوهش
 ۲۱۷ ۵.۱ رستم در ادبیات فارسی و عربی
 ۲۴۶ ۵.۲ ارمایل و گرمایل: شکل‌گیری یک داستان در شاهنامه فردوسی

۲۶۴ فصل ششم: بازگشت به خودای نامگ

- ۲۶۴ ۶.۱ یک یا چند خودای نامگ؟
 ۲۷۵ ۶.۲ محتوا، اندازه، منابع و قدمت خودای نامگ

۲۸۶ فصل هفتم: ترجمه متون کلیدی در مورد خودای نامگ

- ۲۸۶ آگاتیاس
 ۲۸۶ مسعودی
 ۲۸۸ حمزه اصفهانی
 ۲۹۰ مقدمه شاهنامه منثور
 ۲۹۲ ابن ندیم
 ۲۹۳ فردوسی
 ۲۹۵ بیرونی
 ۲۹۶ مجمل التواریخ و القصص

۲۹۷ کتابنامه

۳۲۲ نمایه

پیشگفتار مترجم

یاکو هامین-آنتیلا امروز دیگر در این دنیا نیست اما با نوشتن کتاب حاضر اثری به یادگار گذاشته است که تا مدت‌ها مورد توجه پژوهشگران تاریخ قرار خواهد گرفت. اگرچه تخصص اصلی او تاریخ اسلام بوده است، اما این اثر او به ویژه برای تاریخ ایران باستان و تاریخ‌نگاری دوره ساسانی اهمیت دارد. منابع عربی و فارسی پس از اسلام اطلاعات بسیار ارزشمندی از تاریخ ایران باستان ارائه می‌دهند که بیشتر منطبق بر تاریخ ملی ایران است. منظور از تاریخ ملی ایران تاریخی است که در زمان ساسانیان برای تاریخ ایران از آفرینش به بعد تدوین یافت، تاریخی که البته شاهان در آن نقش مهمی ایفا می‌کردند و شاهنامه فردوسی مهم‌ترین نماینده آن است. اما موضوع این کتاب خودای نامگ یا خدای نامه است که نوع خاصی از شاهنامه دوره ساسانی بوده است که به اعتقاد مؤلف کتاب حاضر تفاوت‌های اساسی با شاهنامه فردوسی داشته است. خودای نامگ مدت‌هاست که مورد بحث بسیاری از محققان قرار داشته است و در این کتاب بسیاری از نظریات گذشته مورد تردید قرار می‌گیرند.

کتاب حاضر همچنین از نظر معرفی آثار و کتاب‌های دوره ساسانی حائز اهمیت است. اگرچه در جریان حمله اعراب مسلمان و تحولات قرن‌های بعدی بسیاری از کتاب‌های دوره ساسانی از بین رفتند، اما منابع عربی و فارسی مختلف اسامی بسیاری از آن‌ها را ثبت کرده‌اند. در واقع خوانندگان با مطالعه این کتاب در خواهند یافت که دوره ساسانیان از نظر ادبیات و خلق آثار مکتوب تا چه اندازه غنی بوده است و به همان نسبت بسیار افسوس می‌خورند که متأسفانه بیشتر آثار مزبور امروزه دیگر باقی نمانده‌اند.

از آنجا که موضوع اصلی این کتاب تاریخ‌نگاری و ارتباط بین کتاب‌ها و متون مختلف است، در ترجمه آن به پیروی از مؤلف، املا و شکل اسامی خاص دقیقاً منطبق بر متون اصلی کهن ثبت شده است. به این ترتیب خوانندگان در طول کتاب حاضر به املاهای مختلف یک کلمه برخورد خواهند کرد و این ممکن است گاهی مطالعه را مشکل سازد. به همین خاطر جهت سهولت کار به ویژه برای خوانندگان غیر متخصص شکل امروزی و رایج اسامی هم داخل کمانک پس از یک علامت = ارائه شده است. مثلاً اسپندیاز (=اسفندیار) یعنی اینکه در متن تاریخی مورد نظر املائی اسپندیاز ثبت شده است که ما امروزه آن را به صورت اسفندیار می‌خوانیم و می‌نویسیم. توجه داشته باشید که در نسخه اصلی کتاب نویسنده به خود زحمت معرفی شکل امروزی تمام کلمات را نداده است و توضیحات داخل کمانک با

علامت = همگی متعلق به مترجم هستند.

این کتاب قبلاً به دست خانم مهناز بابایی ترجمه شده است اما ترجمه ایشان از نواقص زیر رنج می برد:

- ۱) عدم ترجمه برخی از مطالب نسخه اصلی کتاب
- ۲) برخی اشتباهات در ترجمه
- ۳) عدم ثبت شکل کهن بسیاری از اسامی خاص
- ۴) عدم ثبت برخی جملات و عبارات عربی چنانکه در نسخه اصلی کتاب آمده است. این ایرادات مرا بر آن ساخت تا ترجمه بهتری از کتاب مزبور ارائه دهم. موارد اول و دوم اندک هستند و در هر ترجمه ای ممکن است چنین ایراداتی پیش بیاید چنانکه ترجمه حاضر نیز قطعاً عاری از اشکال نیست. مورد چهارم نیز با توجه به عدم آشنایی بسیاری از ایرانیان با زبان عربی ایراد خاصی در ترجمه فارسی کتاب ایجاد نمی کند، با این حال در این ترجمه سعی کردم عبارات عربی هم برای خوانندگان متخصص تر ارائه دهم. اما مورد سوم تفاوت اصلی ترجمه حاضر با ترجمه خانم بابایی است. اگرچه ایشان هم در ترجمه خود صورت کهن بسیاری از اسامی را ثبت کرده اند اما خیلی جاها هم این کار را نکرده اند. در بسیاری از موارد عدم ثبت شکل کهن اسامی مشکل خاصی ایجاد نمی کند اما گاهی هم به ارزش ترجمه ضربه می زند.

مثلاً وقتی فلان مؤلف عربی نویسی در قرون وسطی از اصطلاح فُرس برای توصیف ایرانیان استفاده کرده است، بهتر است که مترجم این اصطلاح را فارسیان یا پارسیان ترجمه کند نه ایرانیان. البته که منظور آن مؤلف عربی نویسی از فُرس تمام ایرانیان بوده است، اما خوانندگان امروزی به ویژه آنهایی که تخصص زیادی در تاریخ ندارند نمی دانند که در قدیم تقریباً تمامی غیرایرانیان، ایرانیان را پارسی یا فارس خطاب می کردند. به همین ترتیب کشور ایران هم از نظر بسیاری از غیر ایرانیان کشور پارس یا فارس خوانده می شد. متأسفانه بسیاری از مترجمان ایرانی به هنگام ترجمه اصطلاحاتی نظیر Persian، بدون توجه به زمینه متن مورد نظر، به جای ترجمه کلمه مزبور به پارسی آن را ایرانی ترجمه می کنند، یا کلمه Persia به جای پارس خیلی راحت به ایران ترجمه می شود. با این نوع ترجمه ما این واقعیت تاریخی بسیار مهم را کتمان می کنیم که اسامی پارس و پارسی خیلی بیشتر از ایران و ایرانی برای غیر ایرانیان از دوران باستان تا حتی به امروز مورد استفاده قرار می گرفت. مؤلف کتاب حاضر نیز به این امر واقف بود و واژگان فارسی و فارس (به معنای کشور ایران نه منطقه ای در جنوب غرب ایران) در متون عربی را در انگلیسی به ترتیب Persian و Persia ترجمه کرده

است نه Iran و Iranian.

در طول کتاب در پاورقی‌ها مطالبی وجود دارد که از طرف مترجم اضافه شده است و در متن اصلی این کتاب وجود ندارند. این مطالب در پایان با یک کمانک که داخل آن واژه مترجم ثبت شده است (مترجم)، قابل شناسایی هستند. من این توضیحات را برای کسانی نوشته‌ام که ممکن است دانش تاریخی کافی در مورد بحث مورد نظر نداشته باشند. همچنین املای انگلیسی برخی اسامی خاص در پاورقی از طرف مترجم افزوده شده است تا محققان با استفاده از آن‌ها راحت‌تر بتوانند به منابع انگلیسی در مورد اسامی مذکور دسترسی پیدا کنند. از آنجا که نسخه اصلی کتاب به طور تخصصی برای پژوهشگران حرفه‌ای نوشته شده است، خوانندگان عادی و غیرمتخصص ممکن است در جاهای مختلف آن به مطالبی برخورد کنند که برایشان ناآشنا باشد، به همین خاطر مترجم در هر جایی که احساس کرده است ممکن است مطلبی برای خوانندگان عادی نیاز به توضیح بیشتری داشته باشد، در پاورقی در مورد آن بیشتر توضیح داده است.

همچنین گاهی اوقات خود مؤلف کتاب دچار اشتباهات فاحش تاریخی شده است که اصلاح آن‌ها در پاورقی از طرف مترجم صورت گرفته است تا مبدا خطای مذکور به خواننده هم منتقل شود. مثلاً مؤلف در صفحه ۱۸۸ نسخه اصلی کتاب با استناد به مجمل‌التواریخ مادر رستم را مهرب می‌خواند در صورتی که هر کسی اندکی آشنایی با شاهنامه فردوسی داشته باشد می‌داند که مادر رستم رودابه است و مهرباب پدر رودابه و پدر بزرگ رستم بود. باید تأکید کنم که چه این اصلاحات و چه توضیحات اضافی برای مخاطبان عام، به هیچ عنوان به ترجمه متن اصلی کتاب صدمه نزده است.

در پایان امیدوارم ترجمه این کتاب برای هم خوانندگان عادی و هم پژوهشگران تاریخ مفید واقع شود و زمینه تحقیقات بیشتری به‌ویژه در داخل ایران در مورد موضوع خدای‌نامه و شاهنامه فراهم سازد.

مرتضی عرب زاده سربنایی ۱۴۰۳/۸/۷

مقدمه

در میان کتاب‌های شناخته شده اما گمشده، خودای نامگ به زبان فارسی میانه چهره برجسته‌ای دارد. نه تنها این کتاب «تاریخ رسمی ساسانیان» به گونه‌ای گم شده است که حتی یک جمله از متون فارسی میانه موجود را نمی‌توان با اطمینان به آن مربوط دانست، بلکه ترجمه‌های عربی آن نیز تقریباً ناپدید شده‌اند.

با این حال به نظر می‌رسد هر پژوهشگری که در این زمینه کار می‌کند، این کتاب را به خوبی می‌شناسد. برای برخی شاهنامه فردوسی تقریباً معادل همان خودای نامگ است و برای برخی دیگر متون عربی به‌جا مانده یا ترکیبی از نقل‌قول‌های منابع موجود با کمی تردید می‌توانند به عنوان اشاراتی به خودای نامگ در نظر گرفته شوند. بیشتر محققان حتی از خود نمی‌پرسند که یک متن خاص چه ارتباطی می‌تواند با خودای نامگ داشته باشد، اما به طور خلاصه از «سنت خودای نامگ» سخن می‌گویند بدون آنکه حتی این سنت را تعریف کنند.

عدم وجود مطالعات انتقادی در مورد خودای نامگ با توجه به اهمیتی که در تاریخ‌نگاری دوران باستان پسین^۱ و اوایل دوره اسلامی دارد بسیار شگفت‌انگیز است. این اثر نه تنها به عنوان بخشی از آثار اندک غیردینی پهلوی، بلکه برای بازسازی وقایع تاریخی دوره ساسانی و فهم منشأ آثار تاریخی عربی و ارتباط فردوسی با منابع خود نیز بسیار اهمیت دارد. همه اینها سؤالات اساسی در زمینه‌های خاص خود هستند.

اجازه دهید که تنها دو مورد، یکی در ارتباط با آثار عربی و دیگری فارسی را بررسی کنیم. در مورد منشأ تاریخ‌نگاری عربی غالباً بدون استثنا از دیدگاهی اسلامی و از طریق مفاهیمی چون حدیث و خبر به آن نگاه شده است؛ همچنین به طور معمول آغاز نوشتن کتاب‌های تاریخی را به نوشته‌های ابن اسحاق و پیروانش بر مبنای اطلاعات شفاهی یا یادداشت‌های پراکنده به‌جا مانده در مورد حضرت محمد(ص) و صدر اسلام نسبت می‌دهند. چنین نظراتی این واقعیت مهم را که خودای نامگ چند دهه پیش از ابن اسحاق به طور کامل به عربی ترجمه شده بود نادیده می‌گیرند. از آنجا که خودای نامگ به خوبی در میان نخستین تاریخ‌نگاران عربی نویس شناخته شده بود نمی‌توان آن را از تاریخ‌نگاری عربی جدا دانست یا تصور کرد که این اثر

۱. دوران باستان پسین یا باستان متأخر را معمولاً از اواسط سده سوم تا اواسط سده هشتم میلادی گویند.

تنها بر نهضت ترجمه و نه خود مورخان تأثیر گذاشته است. ابن قتیبه، دینوری و طبری هر سه در بخش‌های مربوط به تاریخ ایران در آثار خود، تا حد زیادی بر منابع فارسی میانه اتکا دارند و به این ترتیب ناگزیر باید تحت تأثیر شیوه‌های تاریخ‌نگاری فارسی میانه قرار گرفته باشند. در طرف ایرانی، پرسش در مورد منابع مورد استفاده فردوسی را می‌توان به عنوان نمونه‌ای از طیف وسیعی از مطالعات *خودای نامگ* در نظر گرفت. کومیکو یاماموتو در کتاب خود *پیشینه شفاهی حماسه‌های ایرانی* عنوان می‌کند^۱ که تحقیق در مورد منابع *شاهنامه* فردوسی به بن‌بست رسیده است و باید به دنبال نگرش‌های جدید بود. درحالی‌که مطمئناً به دیدگاه‌های تازه‌ای نیاز است، اما یاماموتو در مورد بررسی منابع به طور کامل اعتدال را رعایت نمی‌کند. درست است که در زمینه مطالعات منابع فردوسی پژوهش‌های تکراری خسته‌کننده زیادی وجود دارد، اما این تکرارها به دلیل نه خود پرسش، بلکه استفاده محدود از منابع در چنین پژوهش‌هایی می‌باشد. ارزیابی کامل‌تر *خودای نامگ* و متون عربی و فارسی وابسته به آن کمک می‌کند تا این اثر مهم را در جای مناسب خود قرار دهیم، پس از آن می‌توانیم از یک دیدگاه تازه به *شاهنامه* فردوسی نگاه کنیم.

باین حال کتاب حاضر نه در مورد تاریخ‌نگاری عربی است و نه *شاهنامه* فردوسی، بلکه تمرکز آن بر اثر *گمشده خودای نامگ* به زبان فارسی میانه، ترجمه‌ها و تأثیر محتوای آن در آثار بعدی است. من همچنین امیدوارم تا با تلاش برای مهیا ساختن تصویر واضحی از آنچه که بین سده‌های هشتم و دهم میلادی روی داده است و نیز تبیین ارتباط متون مختلف با یکدیگر بتوانم پنجره‌ای جدید در مطالعات این دو حوزه باز کنم.

من *خودای نامگ* را از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار می‌دهم. فصل یکم به روشن ساختن اصطلاح‌شناسی و بررسی منابع پیش از اسلام که به مطالعه *خودای نامگ* مربوط می‌شوند می‌پردازد. برخی از متون پهلوی که در این فصل مورد ارزیابی قرار می‌گیرند به دوره اسلامی تعلق دارند اما خاستگاهشان به منابع کهن‌تر برمی‌گردد. فصل دوم به توصیف نهضت ترجمه در سده‌هایی می‌پردازد که *خودای نامگ* در جریان آن به عربی ترجمه شد و همچنین به طور خلاصه آنچه را که به طور کلی از فارسی میانه به عربی ترجمه شد بررسی می‌کند.

فصل سوم به سراغ ترجمه‌های عربی *خودای نامگ* می‌رود و فصل چهارم به بررسی روایات گوناگون تاریخ ملی ایرانی (کتاب‌های شاهان، *شاهنامه*) به فارسی تا زمان فردوسی و حتی

۱. Yamamoto, 2003: xix.

کمی بعد از او می‌پردازد. فصل پنجم شامل دو موضوع پژوهشی است و در آن محتوای احتمالی خودای نامگ از طریق ارزیابی آثاری که ممکن است به نحوی به آن مربوط باشند بررسی می‌شود. فصل ششم به پرسش بنیادین مطرح شده در فصل نخست برگشته و مباحث مطرح شده را که در فصل هفتم خاتمه می‌یابد از دید نظر می‌گذرانند. در فصل هفتم مهم‌ترین متون فارسی و عربی در مورد خودای نامگ، برای راحتی کار خوانندگان که نسخه‌های مختلف و روان متون فارسی و عربی را در اختیار ندارند، ارائه شده است.

یادداشت‌های تخصصی

این کتاب از منابعی استفاده می‌کند که عمدتاً به سه زبان پهلوی، عربی و فارسی^۱ هستند و بیشتر آن‌ها به یک دوره هفتصد ساله (۵۰۰ م-۱۲۰۰ پ.م) تعلق دارند. در آوانویسی پهلوی من از دیوید مکنزی^۲ پیروی کرده‌ام که به نظر می‌رسد در مطالعات فارسی میانه معیار باشد. در مورد نوشته‌های عربی و فارسی مسئله کمی پیچیده‌تر است. از آنجا که بسیاری از عبارات، نام‌های خاص و عناوین کتاب‌ها به یک صورت در منابع فارسی و عربی به کار رفته‌اند، استفاده از آوانویسی جداگانه برای هر زبان گیج‌کننده به نظر می‌رسید. بیشتر مطالب برآمده از منابع عربی هستند و من نیز آوانویسی عربی را برای هر دو زبان انتخاب کردم. اسامی شخصیت‌هایی که در تاریخ ملی ایران نقش دارند معمولاً به همان شکلی که در هر

۱. در متن اصلی نویسنده از اصطلاح Classical Persian به معنای فارسی کلاسیک استفاده کرده است. فارسی کلاسیک به دوره نسبتاً طولانی زبان فارسی از سده نهم تا بیستم میلادی اطلاق می‌شود. چون استفاده از صفت کلاسیک برای آن ممکن است برخی خوانندگان را به این تصور بیاورد که فارسی کلاسیک یک زبان متفاوت از فارسی نو یا فارسی کنونی بوده است، در اینجا از کاربرد اصطلاح فارسی کلاسیک پرهیز شده است. خود نویسنده نیز در بیشتر جاهای کتاب به طور ساده از اصطلاح زبان فارسی استفاده کرده است و تنها در موارد معدودی از صفت کلاسیک برای توصیف آن استفاده می‌کند. لازم به ذکر است که فارسی زبانان امروزی می‌توانند کهن‌ترین متون فارسی (کلاسیک) را بخوانند و درک کنند و اگرچه زبان فارسی در هزار سال گذشته تغییرات مهمی را پشت سر گذاشته است، اما در مجموع هویت خود را حفظ کرده است، به طوری که مثلاً نمی‌توان گفت فارسی که در زمان سامانیان وجود داشته است، یک زبان متفاوت با فارسی است که امروزه صحبت می‌شود. اتفاقاً در ترجمه این اثر سعی شده است تا به پیروی از مؤلف املا و صورت واژگان متون کهن حتی الامکان مطابق با زمان خود نوشته شوند تا خوانندگان بهتر متوجه سیر تحول و تغییر کلمات فارسی در طول زمان شوند. (مترجم)

۲. David MacKenzie, 1971: x-xv.

منع ظاهر شده‌اند آورده شده است. به این ترتیب، اسفندیار و اسفندیاد هر دو به یک شخص اشاره دارند، همچنین وشتاسپ، بشتاسف، گشتاسپ، گشتاسب و گشتاسف همگی املاهای مختلف یک نام هستند. این تفاوت‌ها معمولاً در متن قابل فهم هستند، در غیر این صورت در مورد آن‌ها توضیح داده شده است. علت حفظ شکل اصلی نام‌ها این است تا خوانندگان بهتر متوجه ارتباط بین متون و تشخیص منابع کتاب‌های کهن شوند.

اصطلاح فارسی کلاسیک تنها زمانی به کار رفته است که ممکن است با فارسی میانه اشتباه گرفته شود. از اصطلاح فارسی باستانی معمولاً استفاده نشده است. اصطلاح پهلوی به طور خاص به کتاب‌های به اصطلاح پهلوی ادبیات زردشتی اشاره دارد، در حالی که فارسی میانه اصطلاح وسیع‌تری است که سایر اشکال زبان آن زمان را نیز در بر می‌گیرد. در این کتاب از هر دو اصطلاح استفاده شده است.^۱

زمانی که به دوره اسلامی ارجاع می‌دهم، معمولاً هر دو تاریخ هجری قمری و میلادی را به ترتیب ذکر کرده‌ام. بنابراین، مثلاً ۹۶۱/۳۵۰ یعنی سال ۳۵۰ هجری قمری مصادف با ۹۶۱ میلادی.

در مورد برخی از کتاب‌های مهم که در دو نسخه مهم و یا ترجمه رایج مورد استفاده قرار دارند، من به هر دو نسخه (و ترجمه) ارجاع داده‌ام تا به خواننده در یافتن متن موجود بیشتر کمک کرده باشم. نسخه‌ها با یک ممیز و ترجمه‌ها با دو ممیز از هم جدا می‌شوند. به آثار زیر به همین صورت ارجاع داده شده است:

ابن ندیم، فهرست: ویرایش تجدد/ویرایش فلوگل // ترجمه داج (۱۹۷۰).
بیرونی، آثارالباقیه: ویرایش اذکائی/ویرایش زاخائو // ترجمه زاخائو (۱۹۲۳).

۱. فارسی میانه زبان رسمی ایران در زمان ساسانیان بوده است و منظور نویسنده از اینکه اصطلاح فارسی میانه معنای وسیع‌تری می‌رساند اشاره به این واقعیت است که از فارسی میانه چهار نوع اثر با چهار الفبا باقی مانده است: فارسی میانه کتیبه‌ای (کتیبه‌های شاهان و رجال سیاسی)، فارسی میانه مسیحی (نوشته مسیحیان ایرانی)، فارسی میانه زردشتی (نوشته‌های زردشتیان ایران) و فارسی میانه ترفانی (نوشته‌های مانویان). در طول کتاب نویسنده اصطلاح پهلوی را برای اشاره به آثار فارسی میانه زردشتیان به کار برده است. در واقع، منظور از متون یا منابع پهلوی آثاری است که زردشتیان ایرانی به زبان فارسی میانه خلق کردند و به هیچ عنوان نباید با پهلوی اشکانی یا پارتی اشتباه گرفته شود؛ در این باره بنگرید به محسن ابوالقاسمی، راهنمای زبان‌های باستانی ایران، جلد اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۵، تهران: صص ۱۴۶-۱۵۷ (مترجم).

مسعودی، تنبیه: ویرایش دخویه // ترجمه کارا دو وو (۱۸۹۶).

مجمعل التواریخ: ویرایش نجم آبادی-وبر/ویرایش بهار.

طبری، تاریخ: ویرایش دخویه و دیگران // ترجمه روزنتال و دیگران (۲۰۰۷-۱۹۸۷).

به این ترتیب مثلاً در هنگام آوردن نقل قولی از الفهرست، من در وهله نخست از ویرایش تجدید، و در موارد مهم تر همچنین برای آوردن ارجاعات بیشتر از نسخه فلوگل و ترجمه داج استفاده کرده‌ام. به همین ترتیب مثلاً ارجاع به الفهرست، ص. ۵۸۹/۲۴۵/۳۰۵ یعنی ارجاع به الفهرست ویرایش تجدید صفحه ۳۰۵، ویرایش فلوگل صفحه ۲۴۵ و ترجمه داج صفحه ۵۸۹ (نسخه فوآد سید به طور جدی از اصلاحات نامشخصی رنج می‌برد و در این کتاب خیلی کم مورد استفاده قرار گرفته است. ترجمه داج نیز معمولاً معیوب است. از هر دو باید با احتیاط استفاده کرد).

در صورتی که به نسخه خاصی اشاره نشده باشد، تمام ترجمه‌ها، حتی در مواردی که به ترجمه معیار اشاره می‌کنم، ترجمه خود من هستند.

من از ناشران برای اینکه به من اجازه دادند تا دوباره از مطالبی که قبلاً در مقالات پایین منتشر شده است استفاده کنم، سپاسگزارم:

“al-Maqdisī and His Sources,” *Orientalia Lovaniensia Analecta* 207 (2012):

151–163; “al-Kisrawī and the Arabic translations of the Khwadāynāmag,”

Studia Orientalia 114 (2013): 65–92; “Armāyīl and Garmāyīl: the Formation

of an Episode in Firdawsī’s *Shāhnāme*,” *WZKM* 104 (2014): 87–103; “Ibn

alMuqaffa’ and the Middle Persian Book of Kings,” *Orientalia Lovaniensia*

Analecta 254 (2017): 171–184; “Ruštam in Arabic Literature and the Middle

Persian Khwadāynāmag,” *WZKM* 107 (2017)

همچنین از دکتر ایلکا لیندست^۱ سپاسگزارم که با بزرگواری پیش‌نویس این کتاب را خواند و پیشنهادهای ارزشمند زیادی ارائه داد که من توانستم از آن‌ها در نسخه نهایی استفاده کنم.

یاکو هامین-آنتیلا

ادینبورگ، یکم فوریه ۲۰۱۸ میلادی

۱. Ilkka Lindstedt.